

تلفراف به کرمانشاه

کرمانشاهان - جناب مستطاب عمدة العلماء العظام ، آقای حاج آقا سلمه الله نعم  
(الی آخر مثل سابق است)

تلفراف به یزد

یزد - خدمت سرکار شریعتمدار آقای آقا میر سید علی مدرس دام علاه - از  
تفصیل احکام محکمه بندگان حضرت مستطاب حجة الاسلام دام ظلّه العالی به حرمت  
استعمال دخانیات بای نحوکان البتّه اطلاع دارید ولی اکنون بر حکم باقیند  
و مقرر فرموده اند که مادام که رفع امتیاز بالمره از داخله و خارجه به طریق  
تحقیق بر خودشان محقق نشود و اعلام جدید به رفع حکم نفرمایند ، حکم به  
حرمت باقی و اجتناب لازم و رخصت نیست . دستخط مبارک به همین مضمون  
خواهد رسید .

تلفراف به سبزوار

سبزوار - جناب مستطاب عماد الاسلام آقای آقا میرزا ابراهیم شریعتمدار دام  
علاه - چون به جهت مفاسد مداخله اجانب در بلاد اسلام بندگان حضرت حجة الاسلام  
دام ظلّه العالی حکم به حرمت استعمال مطلق دخانیات بای نحوکان فرموده اند  
که البتّه به اطلاع جناب عالی رسیده ، محض اعلاء کلمه حق عرض می شود که فعلا  
هم حکم به حرمت باقیند و تا رفع مداخله آنها از داخله و خارجه به خودشان  
محقق نشده اعلام به رخصت نفرمایند حکم به حرمت باقی و اجتناب لازم و  
رخصت نیست .

تلفراف به طهران به تاریخ ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۰۹

جناب شریعتمدار آقا شیخ فضل الله نوری سلمه الله تعالی - از طهران جمعی  
سؤال نموده اند از حکم حضرت حجة الاسلام در خصوص دخانیات ، عجب است ،  
بلی حکم صادر مجدداً هم به دستخط مبارک با پست می رسد . (حسین النوری)  
در اواخر ماه جمادی الاولی ۱۳۰۹ مقاله سودمندی از طرف یکی از علماء نوشته و به  
در و دیوارها چسبانیده و در مدارس و مساجد انداخته که صورت آن از این قرار است :

مقاله ملی

بسم الله الرحمن الرحيم - در مسئله توتون و تنباکو و شخص مستأجر  
انگلیسی و حکایت منع از استعمال آنها که منتسب به رؤساء ملت گردیده است  
منباب المقدمه عرضه می دارد ، که از اصول موضوعه و مسلمات تمام از باب عقول  
است ، که باید شخصی که مالک نقطه ای از نقاط است سد احتمالات ورود  
اجنبی را بر آن نقطه بنماید . حتی هر گاه عاقل احتمال بدهد فلان که اقرب

مردم است به او ، اگر چندی در خانه او بنشینند اظهار مالکیت خواهد نمود و اخراج نتوان کرد مگر به مشقت ، فرمود از اول ممنوع از دخول خواهد بود چه رسد به این که اگر کسی دشمن قوی پنجه داشته باشد و احتمال بدهد شاید شبیخون به خانه او بزند یا در صدد قتل او بر آید وی را راحت نشاید و ثقبات و ثغور آن خانه را کمال محافظت و مراقبت باید بنماید . و دیگر آن که الملك عقیق از شیم نفوس و مسلمات ملوک است چه بسیار عقود و عهود نبود بسته شد و به صلاح حفظ مملکت و سلطنت در انتقاض آن منتقض گردیده و دشمنان را به ایمان مغلظه مطمئن ساخته پس از استیلاء از پایش در آوردند . و دیگر قطع حاصل از تجربه که عبارت از تکرر مشاهده است از اصول برهان و امور قوی بنیان است و به تکرر مشاهده از حالت اهالی انگلیس و مکر و خیال آنها نسبت به اهالی هندوستان و مصر و سایر جاها واضح و هویدا کالشمس فی وسط السماء گردیده ، که قرارداد آنها پایه اصلی ندارد . چنانچه در بدو ضبط هند به اسم تجارت رعایای آنجا را تبعه ساخته و از خود هم جماعتی منضم نموده بالاخره بدون زحمت منازعه بر تمام مملکت استیلاء یافتند و به قرارهای اولیه وفا ننمودند ، عصر را هم به همین نهج مقهور ساختند و الان آن ناپیکاران در صدد ضبط و بردن مملکت ایران بر آمده اند اعاذنا الله تعالی من ذلك . از طرف فارس که اول ثغور اسلام است راه را مفتوح ساخته و در سرحد خراسان که از موقوفه قدیمه آستان ثامن الائمه (علیه السلام) است بنای شهر به آن تفصیل گذاردند و اسباب و آلات جنگ در آن نقطه به نحو اتم و اکمل فراهم آوردند . مستأجر تنباکو را چه واداشته که همچو بنای عظیمی به اسم محل تنباکو در نقطه باغ ایلخانی که مشرف بر تمام شهر و اراک و سایر نقاط این شهر است بنماید . قریب چهار ذرع عرض دیوار از گچ و آجر ساخته اند مانند ، کشتی زره پوش توپ بر او گردش می کند با این که برای او ممکن بود سرای امین الملك را خالی از اغیار اجاره نماید . از کجا به اشاره دولت آنها نباشد بلکه مظنون این است که تمام این مخارج گزاف از مالک مملکت آنهاست و الا تاجر را چه کار به هفت کرور یا دوازده کرور مخارج اجاره داری بنماید . کی می تواند اصل مایه خود را از این اهالی فقیر ایران دریافت دارد . از کجا می توان اطمینان تحصیل نمود که در بارهای قماش و تنباکو و غیره توپ و تفنگ به این محل حمل ننماید که در مقام حاجت بکار برند و تمام شهر را در آن واحد خراب و منهدم سازند . به اسم مفتش تا سی تومان به سرگردها دادن و غلامها در اطراف مهیا ساختن دلیل واضحی است بر طول

آمال و بلندی خیال و دفع ضرر مفلنون ، بلکه محتمل عقلا لازم و از آنجائی که امام عسرحجة بن الحسن (عجل‌الفرجه) را توجهی تام است به شیعیان و بقاء سلطنت سلطان ایران چنان که متکلمین فرمایند وجوده لطف و بقاءه لطف آخر از بابت لطف جاری فرمود به قلم شریف جناب مستطاب قبلة الانام حجة الاسلام آقای حاج میرزا محمد حسن شیرازی دام‌غله‌العالمی که از خواص بندگان خدا و شیعیان امام همام (علیه‌السلام) است و قریب نود سال در خدمتگزاری شرع مبین و ترویج دین خاتم‌النبین (ص) زحمات بلا‌نهایت کشیده و مقول به ناحیه مقدسه امام زمان گردیده که (اليوم استعمال تنباکو و توتون . بای نحوکان در حکم مجاربه با امام زمان است) و الحق این کلمه جامع شریفه که مشتمل بر معانی کثیره است داخل در امثال توقیعات رفیعه و الفاظ صادره از لسان صاحب‌الزمان (عجل‌الفرجه) است و چنان ابهت و وقعی در قلوب وضع و شریف و عالم و جاهل افکند که با هزار توب و تفنک ممکن نبود معانیت این خلق را از شرب دخانیه کرد . گویا منادی امام عصر (عجل‌الفرجه) ندا در داد که ای مطیعین امام (عجل‌الفرجه) حفظ اسلام موقوف به عدم استیلائی کفار است ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا . دادن تنباکو و توتون به دست کفار مثل سایر چیزها سبب استیلاء و رخنه و کثرت نفوذ آنها است و بالمآل سلطنت شیعه به ید بد آنها قرار خواهد گرفت . پس چیزی که ممکن التارك است باید تمام مردم فعلا ترك کنند لعل الله يحدث بعد ذلك امرأ و حفظ بیضه اسلام داخل در اصول و فرائض عینی است ، بر تمام آحاد مسلمانان با عدم من به الكفاية واجب عینی است و اصل مسئله ما داخل در احکام و موضوعات مستنبطه نیست ، تا این که اطاعت آن تنها بر مقلدین واجب باشد بلکه از قبیل حکم در موضوعات صرفه است که اطاعت حکم حاکم شرعی مطاع بر مجتهد دیگر و مقلدین لازم و متحتم است . به مقتضای فرمایش حضرت صادق (علیه‌السلام) (اذا حکم بحکمنا قلم یقبل منه فانما بحکم الله استخف و علینا رد و الراد علیه راد علینا و هو علی حد الشک بالله تعالی) مثل حکم جناب حجة الاسلام میرزا دام‌الله‌ظله‌العالمی حکم حجج امام عصر است بر خلق و نقض حکم ایشان نقض حکم امام (عجل‌الفرجه) است و وسوسه و بودن حکم از جناب ایشان مثل وسوسه در قرآن است که آیا کلام خلق است یا فرمایش خالق گذشته از این که خط و مهر ایشان بالعیان دیده شده است . این کلمه شریفه نظیر توقیعات رفیعه است که بر این عالم ربانی که داخل در مرتاضین و اهل‌الله و خواص اولیاست ورود نمود و انقطاع سفارت در غیبت کبری منافی با ورود توقیع بر خواص نیست چنانچه

بر شیخ مفید و دیگران نازل گردید. نعوذ بالله من سیئات العمل و قبح الزلل و به نستعین .

این مقاله نیز در رفع شکوک و شبهاتی که در این خصوص به اذهان مردم عوام جا داده شده خیلی مؤثر و مفید افتاد.

صورت اعلانی روز جمعه بیست و سوم جمادی الاولی سنه ۱۳۰۹ به دیوار شمس العماره و سایر گذرها و مجامع شهر چسبانیده بدین مضمون که :

بر حسب حکم جناب حجة الاسلام آقای میرزای شیرازی یوم دوشنبه آتیه جهاد است مردم مهیا شوید .

این شایعه شورانگیز دروغین به زودی در شهر منتشر گردیده عامه مردم را مهیج گردید ، مردم راستی به خیال جهاد افتادند . در صدد کارسازی تهیه و تدارک و فراهم کردن اسلحه بر آمدند و آذوقه جمع و فراهم آوردند . مردمان در مقام وصیت و وداع با اهل و عیال خودشان به ناله صدا بلند نمودند فرنگیانی که مقیم دارالخلافه بودند از سفرا و غیر هم همگی از این معنی سخت مضطرب و پریشان شده برای حفظ خودشان از دولت در این خصوص امنیت و اطمینان طلبیدند که ما به اطمینان دولت بدین مملکت آمده ایم اکنون که مردم ملت را حکم به جهاد آمده و رعیت در خیال شورش و ستیزگی با دولتند تکلیف ما چیست ؟ و از طرف حفظ خودمان چگونه و به چه وسیله مطمئن باشیم ؟ اولیای دولت که در باره خود و حرمسرای سلطنتی و سایر اجزاء سلطنت به غایت مضطرب و هراسان بودند از این اطمینان خواستن خارجه نیز چند درجه بر وحشت و اضطراب ایشان افزوده ، لذا از يك طرف مستمسك به اذیال علماء گردیدند که این شایعه را تکذیب کنند . از يك سو مجلسی در دربار تشکیل دادند که صورت آن مجلس از این قرار است :

اجزاء حضار مجلس از طرف ملت : جناب آقامیرزا حسن آشتیانی - جناب آقا سید علی اکبر تفرشی - حاج شیخ فضل الله نوری - جناب امام جمعه - جناب آقا سید محمد رضا طباطبائی - جناب آقا سید عبد الله بهبهانی - جناب آخوند ملا محمد تقی کاشی . اجزاء حاضرین مجلس از طرف دولت : نایب السلطنه کامران میرزا - وزیر اعظم امین السلطان - حاج امین السلطنه - امین الدوله - مشیر الدوله - قوام الدوله - مخبر الدوله .

از جانب ناصرالدین شاه صورت فرمان امتیاز نامه عمل این امتیاز را به میان گذارده که بر حسب امر همایونی شما که علماء شریعت و رؤسای ملت هستید صورت این امتیاز نامه را ملاحظه بفرمائید و در خصوص قرارداد عمل این امتیاز هر گونه تعهد و شرطی که دولت به موجب این امتیاز نامه برخلاف مقاصد ملت و احکام شریعت ملتزم گردیده تغییر بدهید شروع به خواندن امتیاز نامه کردند . نخستین کلمه ای که عنوان فرمان این عمل در صدر

این نامه نوشته شده کلمه (منوبل) است. اولیای شریعت نخست از معنی این کلمه پرسش نمودند جواب گفته شد این کلمه لفظی است فرنگی و بر حسب وضع این لغت در اصل معنی امتیاز و انحصار است. (منوبل) خرید و فروش تنباکو یعنی انحصار معامله تنباکو و توتون مملکت به شخص صاحب امتیاز به طوری که معامله این اجناس مخصوص او باشد و در مملکت هیچ کس را حق این معامله جز به اذن و اجازه او نباشد و صاحبان این اجناس مجبوراً باید به او بفروشند و به دیگری نمی توان فروخت. پس از شرح و تفسیر این کلمه اولیای ملت فرمودند که این نخستین التزامی است که در این امتیازنامه برخلاف احکام شریعت و اصول مسلمة ملت واقع شده است (الناس یسلطون علی اموالهم) در شریعت اسلام مالک در مال خود صاحب اختیار است مالک را از هیچ رو برمالش جبر و قهر نتوان نمود. بنای حک و اصلاح شد. این کلمه اولین باید حک شود. اولیای دولت در این خصوص که اصل عنوان این عمل و تمام مطلب و مدعای ایشان بود به کوشش افتاده که بلکه بتوانند به مداهنه و صورت سازی يك نحو کلاه شرعی بر سر این عمل گذارند و بعضی از منتسبان به شریعت که در باطن کمال موافقت و همراهی را با خیالات ایشان داشتند نیز در مقابل علماء بنای لم ولانسلم را گذاشتند. علماء نیز در این مقام سخت ایستاده که ما پیغمبران مشرع و شریعت آور نیستیم تا بتوانیم حرامی را حلال کنیم. وظیفه ما علماء اسلام تنها بیان حلال و حرام شریعت اسلام است. حکمی که در این خصوص در شریعت اسلام مقرر گشته همان است که بیان شد. از این گونه جوابهای سخت علماء ابواب هر گونه مداهنه بر اولیای دولت بسته شده. عرصه از هر جهت بر ایشان تنگ گردید. این بود که امین السلطان جان مطلب را اظهار نمود که آقایان بی پرده می گویم اعلیحضرت شاهنشاهی صریحاً فرموده اند تغییر و تبدیل این امتیازنامه از هیچ رو دولت را ممکن نتواند بود. این معنی مجال و ممتنع است. شما از این معنی قطع نظر نموده فکر دیگر بکنید. علماء نیز در کمال صفا گفتند ما هم بی پرده می گوئیم حرام شریعت اسلام را از هیچ رو نمی توانیم حلال نمود. مساعدت با دولت در خصوص این امتیازنامه از ما نیز مجال و ممتنع است. علاوه بر این که غرض دولت از انعقاد این مجلس هر گاه تدبیری برای برداشتن منع و متارکه دخانیات است، شما خود می دانید که در این منع ما را از هیچ رو مدخلیتی نبوده و نیست. از جانب رفیع الجوانب حضرت حجة الاسلام که نایب امام و حکم جنابش در باره مجتهد و مقلد نافذ و واجب الاتباع است در سرمن رأی حکمی به منع استعمال دخانیات به تفصیلی که می دانید شرف صدور یافته و این حکم به مجرد رسیدن در کمتر از نیمروز در این بلد همه جا شایع و همه کس اطاعت نمود ما نیز در این خصوص مانند سایر مردم اطاعت نمودیم. اولیای دولت از این در، راهی به مقصد نیافته از در تهدید بدرآمدند. مشیرالدوله خطاب به علماء کرده و گفت آقایان این امر

برای شما خوبی ندارد. آقا سیدعلی اکبر تفرشی از این سخن تهدیدآمیز برآشت که این نامربوطها چیست؟ چه معنی دارد؟ چه می کنند ما را؟ قوام الدوله به سخن درآمد و گفت: برداشتن این امتیاز مجال و ممتنع است. باز جناب آقا سیدعلی اکبر گفت: گویا رئیس دخیانیات و رژی شما باشید. امین السلطان گفت: خیر ایشان جناب قوام الدوله وزیر امور خارجه می باشند. جناب آقا سیدمحمد رضا فرمود اگر این حکم را دولت داده است که باید به امضای ملت باشد و اگر شخص شاه داده است که . . . حقی نداشته و ندارد. اولیای دولت که عرصه را بر خود تنگ یافته از خواندن امتیازنامه صرف نظر کرده شروع به قرائت تلگراف کردند که سابقاً نگارش یافت بالجمله پس از مذاکرات بسیار امین السلطان از طرف علماء و کالت گرفت و متعهد شد که بر حسب وکالت از جانب علمای ملت در فرسخ و ابطال این عمل اقدامات مجدانه بکار برده و به قدر امکان در رفع این امتیاز کوشش نموده از هیچ رو فروگذاری نکند. مشروط بر این که علماء هم پس از رفع این امتیاز در خصوص اباحه دخیانیات و تکذیب اعلان جهاد مضایقه روا ندانسته. مجلس بدین جا ختام یافت.

آن مقاله و این اعلان باعث شد که سفیر روس هم در سفارت خانه روس مجلسی به عنوان ضیافت تشکیل داد که ما صورت آن مجلس را درج می نمایم لکن در این مقام بهتر این است که به مناسبت صورت امتیازنامه را هم درج کنیم و هذاصورته:

صورت امتیازنامه

صورت فرمان امتیاز تنباکو و توتون منویل خرید و فروش و ساختن در داخل یا خارج - کل توتون و تنباکوئی که در ممالک محروسه به عمل آورده می شود تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضاء این انحصار نامه به مازور تالبوت و به شرکاء خودشان مشروط به شرایط ذیل مرحمت و واگذار فرمودیم.

فصل ۱ - صاحبان این امتیازنامه همه ساله مبلغ پانزده هزار لیره انگلیسی به خزانه عامه اعلی کارسازی خواهند نمود اعم از این که از این کار نفع ببرند یا ضرر این پول هر ساله در پنج ماه از سال گذشته پرداخته می شود.

فصل ۲ - فقط محض تعیین از تنباکو و توتونی که در ممالک محروسه به عمل آورده می شود صاحبان این امتیاز ثبت از زراعی که می خواهد عمل زراعت این امتیاز را بکند نگاه خواهند داشت و دولت علیه به حکام محلیه حکم اکیدی خواهد فرمود، که زارعین تنباکو و توتون را مجبور بدادن ثبت نمایند و اذن و اجازه نامچه از برای فروش و معامله و غیره توتون و تنباکو و سیگار و سیگار و انقیه و غیره حق خالص صاحبان این امتیاز است و احدی جز صاحبان این امتیازنامه حق صدور اجازه نامه جات مزبوره ندارند و نخواهند داشت اصناف توتون و تنباکو

فروش که مشمول این حرفتند در کسب و معاملات داخله خود برقرار خواهند بود مشروط بداشتن اجازه نامه‌ها که دارنده امتیاز خواهد داد .

فصل ۳- بعد از وضع جمیع مخارج متعلق به این عمل و تقسیم صد و پنجاه سرمایه خودشان بین صاحبان این امتیاز يك ربع منافع باقی مانده سال به سال تسلیم خزانه عامره اعلی خواهند نمود. دولت ایران حق واری به دفاتر هر ساله آنها خواهد داشت .

فصل ۴- جمیع اسباب کارخانه و ملرومات این کار که صاحبان این امتیاز داخل ممالک محروسه می آورند از جمیع عوارضات گمرکی و غیره آزاد خواهد بود . فصل حمل و نقل توتون و تنباکو در ممالک محروسه بلا اجازه صاحبان این امتیاز ممنوع است مگر آنچه که مسافرین برای استعمال یومیه خودشان همراه داشته باشند .

فصل ۵- صاحبان این امتیاز باید جمیع توتون و تنباکویی که در ممالک محروسه به عمل آورده می شود اکتیاع، در عوض آن نقد کار سازی نمایند تا آن درجه که قابل استعمال باشد، تمام باید تنباکو و غیرها که فعلا موجود است اکتیاع نمایند. قیمت که باید به عمل آورنده یا مالک داده شود، دوستانه بین عمل آورنده یا مالک صاحبان این امتیاز قرار خواهد شد. ولی در صورت عدم رضایت طرفین به حکمیت مرضی الطرفین رجوع خواهد شد و حکم قطعی مجری خواهد شد .

فصل ۶- دولت علیه متقبل می شود که به هیچ وجه علاوه و اضافه بر مالیات و عوارضات و رسوم گمرک حالیه در باره توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انغیه تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیاز نامه ننمایند همچنین دارنده امتیاز و شرکائی او متعهدند که تمام رسوماتی را که بالفعل از تنباکو عاید دولت علیه ایران می شود کماکان عاید گردد .

فصل ۸- هر کس یا کسانی که بخواهند از این فصل گریزی اختیار نمایند مورد سیاسات و مجازات دولت خواهند شد و هر کس یا کسانی که در پیش آنها خفیه تنباکو و توتون و غیره به جهت فروش این معامله پیدا بشود نیز به جریمه و سیاست سخت دولت گرفتار خواهد شد. دولت علیه حمایت و تقویت صریح هر چه تمامتر خود را در باره جمیع عمال صاحبان این امتیاز مرعی خواهد نمود و صاحبان این امتیاز تعهد می نمایند که به هیچ وجه از حقوق خود موافق این امتیاز نامه تجاوز ننمایند .

فصل ۹- صاحبان این امتیاز مختار خواهند بود تمام حقوق یا امتیازات و یا تعهدات و غیره خود را به هر کس یا کسانی که میل دارند منتقل نمایند ولی قبل

از وقت به اولیای دولت اطلاع خواهند داد .

فصل ۱۰- عمل آوردن یا مالک توتون و تنباکو هر وقت توتون یا تنباکوی خود را حاصل نمود باید خود به نزدیکترین وکیل صاحبان این امتیاز اطلاع بدهد که حاصل ایشان به چه مقدار است تا این که صاحبان این امتیاز نامه بتوانند تمهیدات مقررۀ فوق را در فصل ششم به موقع اجراء گذارند و آن را به زودی ایتباع نمایند.

فصل ۱۱- صاحبان این امتیاز حق نخواهند داشت اراضی ایتباع نمایند مگر به اندازه لزوم اجرای این امتیاز نامه به جهت انبار و مورد لزوم آن .

فصل ۱۲- زارعین بر طبق تفصیل شروطی که از جانب صاحبان این امتیاز به همراهی دولت مقرر می شود و محقق می باشد که به اندازه (فی) برای حاصل خود پیشگی به آنها داده شود .

فصل ۱۳- اگر از تاریخ امضاء این امتیاز نامه تا انقضاء مدت يك سال کمپانی اجزای آن تشکیل نشود و شروع به کار نشود این امتیاز نامه از درجۀ اعتبار ساقط و باطل خواهد شد، مگر این که جنگ یا امثال آن که مانع تشکیل کمپانی باشد واقع شود .

فصل ۱۴- در صورت وقوع اختلاف ما بین دولت علیه ایران و صاحبان امتیاز، آن اختلاف رجوع به حکمیت مرضی الطرفین خواهد شد و در صورت عدم امکان رضایت طرفین حکم اختلاف را رجوع به حکمیت قطعی حکمی به تعیین یکی از نمایندگان دولت اتازونی یا آلمان یا اطریش مقیم طهران خواهد شد .

فصل ۱۵- این امتیاز نامه به دو نسخه مابین دولت علیه ایران و مازور بایست به امضای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و ثبت وزارت امور خارجه مبادله شده و مضمون فارسی آن محل اعتنا خواهد شد. تاریخ مطابق ۲۸ رجب ۱۳۰۸ تمام شد . این امتیاز مشوم را بدین تفصیل که مرقوم اقتاد در فرنگستان تحصیل نموده به مقتضای آن مال اندیشی و اتقانی که انگلیسیان را در کار است برای استحکام کار خود که دیگر قابل نسخ نباشد حقوق و تعهداتی را که به موجب این قرارداد بر عهده دولت ایران می داشته به چندین دست نقل و تحویل داده پائی نیز از سایر دول بزرگ اروپا در میان کشید . به خیال خود تا آنجائی که او را در امکان می گنجید مطلب را بزرگ کرد که دیگر دولت ایران را مجال فسخ و ابطالی نباشد و پس از همه این اساس بندها و تمهید سایر مقدمات کار به فاصله هفده ماه از معاودت موکب همایونی به مقر سلطنت ، جمعی از فرنگیان به نام هیئت کمپانی این عمل به آرزوی وصل جوئی مقصود عمده خودشان با اشتهای هر چه صافتر به ایران شتافتند . در اثنای همین مسافرت عبورشان به اسلامبول افتاده صاحب روزنامه



اختر را با رئیس این جماعت ملاقاتی دست داده ، روزنامه گرامی را در این خصوص مقاله ای است که عیناً نقل می شود .

مقاله روزنامه اختر - صاحب روزنامه مذکور می گوید ما را با صاحب امتیاز در این جا ملاقاتی دست داد در آن ملاقات در خصوص شرایط امتیاز صحبتی در میان گذشت مومی الیه مدعی این شد که انحصار تنباکو و توتون در ایران موجب منافع دولت و زراع تجارت است پرسیدم که اولاً از منافع زراع شرحی بیان نمایید که از این معنی چه فایده دارند . گفت که زراع پیش از این محصول را یا نسیه به تجار مملکت می فروختند و یا این که با چیت و کرباس مبادله می نمودند اما من پس از برداشتن محصول پول نقد خواهم شمرد جواب دادم که این دعوی بی دلیل و سخن ناتمامی است زیرا که زراع همه وقت محصول را به نقد می فروختند سهل است که بسا می شد سه ماهه پیشکی هم از تجار پول می گرفتند که هنگام درک محصول جنس بدهند و فرقی این است که آنگاه مرد زارع صد نفر مشتری داشت و از روی رواج وقت مالش را به نحوی که دلش می خواست می فروخت . حالا باید تنها به یک نفر بفروشد . آنهم به قیمتی که خریدار معین می کند ، پس این معنی موجب ضرر گردید نه منفعت . بفرمائید منفعت دولت از این امر چیست ؟ گفت سالیانه به علاوه پانزده هزار لیره انگلیس ربع مداخل نیز به دولت عاید خواهد شد . جواب داده شد که این نیز حرفی است سست به علت این که دولت عثمانی در صورتی که توتون ممالک محروسه خیلی کمتر از محصول تنباکو و توتون ممالک ایران است سالیانه از اداره (رژی) یعنی انحصار ، معادل هفتصد هزار لیره عثمانی می گیرد ، خمس مداخل نیز به دولت عاید است (ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا ) و حال آن که توتونی که به خارج می رود نیز از قید انحصار آزاد است . یعنی هم زراع می توانند به خارج بفرستند هم تجار ، حتی دولت نیز به ملاحظه رفاه حال زراع و تجار محصولی که به خارج می رود حبه و دیناری گمرک نمی گیرد تا دست رعیت باز شده رغبت زراع از کاشتن و پرورش دادن آن محصول نکاهد . بنابراین مبلغی که سالانه شما به دولت خواهید داد در جنب منافی که اداره (رژی) به دولت عثمانی می دهد وقتی ندارد یعنی این همه مداخل به کیسه خود شما خواهد رفت . دست تجار هم که از امروز بالمره بسته شد . به علت این که محصولی که به خارج خواهد رفت نیز داخل شرایط امتیاز است معلوم است که صاحب امتیاز چندین تصعبات در آورده مبالغی به اسم مخارج و منافع انحصار بدان افزوده آنگاه به تجار خواهد فروخت که هیچ کس زیر آن بار نتواند رفت . مجملاً از این انحصار و امتیاز منافی به ملک و ملت عاید نخواهد شد سهل است که خیلی ضرر و خسارت از این رو به مملکت وارد خواهد آمد که از حالا تعداد آن ممکن نیست این قدر هست که در شرایط امتیاز خیلی سماح شده واسطه کار غفلت کرده است چنانچه امروز تنها انحصار برای تنباکوی اصفهان آنهم به استثنای

داخله مملکت چند تن از معتبران تجار ایران هستند که سالانه بیست هزار لیره به دولت می‌دهند پس از این یکی می‌توان دریافت که در شرایط امتیاز آن جقدر سماح شده است . افسوس است که اولیای دولت به چه ملاحظه زیر این بار گران رفته‌اند معلوم است در امثال این کارها که هنوز در ایران رواج نکرفته مأمورین بی‌خبر از وضع کار که تاکنون امثال آن را در ملک خود ندیده‌اند . البته از میدان مردمان محیل و چرب زبان و خوش آمدگویی فرنکستان ، گوی نتوانند ربود معایب و مضرات این کار نه چندان است که به نوشتن تمام شود عجلتاً باید سوخت و ساخت تا خدای خود به حال ملت ترحم فرماید .

### مجلس ضیافت

پس از آن که اعلان جهاد به منتشر گردید و مترتب بر آن مجلس علماء و درباریان منعقد ، امین‌السلطان منقبل گردید که امتیاز را مرتفع سازد و معامله را فسخ نماید آقایان هم متعهد شدند که شایعه جهادیه را مکذب شوند و در بالای منبر مردم را امر به صبر و تأمل و انتظار تا روز چهارشنبه ۲۱ ماه فرمودند و نیز به مردم رسانیدند که شما با پادشاه طرف می‌بایید و استرداد حقوق خود را جاهدید . این مقاوله و مجاهده را جهاد گفتن خطاست . امام جمعه در بالای منبر به همین مضمون نطق نمود که يك دفعه صدای زنها و ضجه آنها بلند شد که امروز اگر مردان ما مانند زنان در خانه بنشینند ما زنان جامه مردان می‌پوشیم و حق خود را از دست نمی‌دهیم . این چه فرمایش است که می‌فرمائید ما نه با پادشاه طرفیم نه با کس دیگر ما اجراء حکم خدا را خواهانیم . این مذاکرات آقایان اگرچه قدری مردم را ساکت نمود لکن باز از وحشت و اضطراب آسایش نداشتند این شد که سفیر دولت روس مجلسی به عنوان ضیافت ترتیب داده و سایر سفرای خارجه را به انضمام رئیس کمپانی امتیاز آرسن ، نام دعوت نموده همگی شان حاضر آن مجلس شدند . پس از پذیرائی ورودشان چون هنگام دور باده رسید ، صاحب منزل یعنی سفیر روس خود ابتداء نموده جامی به دست گرفت و این عبارت بگفت : به سلامت اتفاق کلمه ملت اسلام و لاجرعه نوش جان کرد . حضار مجلس از استماع این کلمه که بر حسب رسم و عادت مردم فرنکستان این چنین کلمه در چنین موقعی کاشف از کمال اشتیاق و آرزومندی گوینده به این معنی است به‌غایت در عجب شده بدیهی است سلامتی اتفاق کلمه ملت اسلام ، گذشته از این که بکلی منافی مقاصد عموم فرنکستان است امروزه همان اتفاق کلمه ملت اسلام است که عرصه را بر همه مقیمین این شهر بدین حد تنگ گرفته .

سفیر روس چون آثار تعجب از ایشان مشاهده نمود به گفتار آمده که مرا از ترتیب این مجلس غرض جز این منظور نظر نبود که همگی شماها را در يك مجلس جمع آورده همین عبارت را بگویم و شرح دهم اگر رخصت فرمائید بی پرده سخن کنم ؟ گفتند : عمه گوشیم ، تا چه فرمائید . آغاز سخن کرد که آقایان من : امروزه معادل

دو کرور مالیات از اجناس و معمولات فرنگستان از قبیل قلیان و سرقلیان چینی و بلور در جاهای خود موقوف و معطل مانده و حال آنها بالمال هم معلوم نیست چه خواهد بود و سبب این وضع اختلال آمیز همگی را معلوم است که « آرسن » این مرد صاحب امتیاز دخانیه ، عملی را برخلاف آئین مسلمانان با دولت گذرانیده و چون اینگونه عمل مطابق اصول اسلامی نبوده است رئیس اسلامیان که به مراحل از حدود ایران بیرون است رفع و ابطال این عمل را در این دیده که مسلمانان را از استعمال دخانیات ممتنع دارد در این مقام بر آمده دو کلمه در خصوص منع مسلمانان از این عمل نوشت و فرستاد و این نوشته به محض وصول در ظرف یک نیم روز در شهر به این عظمت همه جا منتشر گردیده و به محض اشتهار این یک دو کلمه نوشته ، تمامی مسلمانان با این که هنوز صحت و صدق این نوشته بر اکثر و اغلب محقق نشده بود ، تنها به احتمال این که شاید صحیح باشد این چنین عادت پانصد ساله را یک دفعه چنان که می بینند بالمره متارکه نمودند . حالا شما سفرای محترم که وکلای دول بزرگ اروپا هستید و بر حسب وظیفه و منصب بزرگ خودتان نظر در وجوه سلاح و فساد و منافع و مضار دولت و مملکت خود را در عهده دارید معین بفرمائید ، که منشاء این خسارت و ضرر و تدارک آن را در چه می دانید؟ این مطلب تا به این حد هنوز جزئی است و این مقدار ضرر را می توان متحمل شد ، ولی هر گاه این مرد صاحب امتیاز اندکی دیگر این معامله را دنبال کند و آن مرد بزرگ اسلام نیز برای دفع طرف مقابل بنای تشدید در امر گذارده بنویسد که شرب چائی نیز همین حال دارد هیچ تصور کرده اید چه مقدارها مالیه از اجناس و معمولات فرنگستان که لوازم این کار است از قبیل قند و چائی و سماور و قوری و سینی و استکان و نعلبکی و غیر اینها بالمره عاقل و باطل مانده ، تا چه پایه سکنه به کلیه تجارت فرنگستان وارد خواهد آمد؟ این هم گوئیم آسان است اگر این مرد مسلم القول بنویسد که تمامی امتعه و اجناسی که از فرنگستان حمل و نقل به ایران می شوند کائنا ما کان حالش همین و استعمالش روا نیست ، بلکه مایحتاج مسلمانان باید مثل سابق از داخل مملکت فراهم شود شماره گرفته اید چندین باب بزرگ از تجارت تمامی دول اروپا از این رهگذر مسدود خواهد شد !

این را هم سهل گیریم . هر گاه این شخص بزرگ نافذالکلمه حکم بنی بدهد که بر مسلمانان حتم و لازم است که تمامی فرنگیانی را که در بلاد اسلام منتشرند همگی را باید قتل و اعدام نمود هیچ می دانید آن گاه چه خواهد شد و چه قدرها نفوس از تبعه دول اروپا در این مملکت عرضه دمار و هلاک خواهند شد و این همه نفوس تلف شده را آن گاه به چه می توان تلافی نمود و حال آن که می دانید موافق قانون تمامی دول متمدنه روی زمین هر نفسی که در بلوای عمومی تلف شود خوشیها و هدر خواهد رفت زیرا که مؤاخذه داشتن عمومی را در این خصوص از آن رو که تلافی فاسد به افسد است نقض غرض و منافعی

مقاصد سیاسیة دول متمدنه خواهد بود .

بعد از این بیانات گفت نه تنها دولت متبوعه من در معرض اینگونه مخاطرات واقع است بلکه دولت متبوعه شما که حاضرین این مجلسید حتی دولت انگلیس نیز در این مقاصد و مضار شریک و سهیم خواهند بود . من امروز شما خفتگان را بیدار نمودم تا فردا هیچ يك از شما را نزد دولت متبوعه خود عذری نباشد . تا هنوز وقت است پیش از این که این فتنه چنان غلظت و اشتدادی گیرد که رشته چاره بالمره از چنگ هر کس بیرون شود فکری بکنید .

چون سخن این مرد خردمند کار آگاه پایان می رسد ، تمام سفراء متوجه «آرسن» تنباکوئی شده می گویند سخنان این مرد دانشمند همگی درست و تمام است . این وضع فساد آمیز حالی و آنچه از این مقاصد که بدین رشته و ترتیب پیش آمد تمامی دول می تواند گردید ، نه منشاء همه اینها توئی ؟ و تحریک این فتنه را بدین گونه که امن و امان از مال و جان همگی را در این بلد برداشته شده است تو باعث بوده و هستی ، باید البته حکماً هر چه زودتر درصدد علاج کار برآمده یا رأساً فسخ و ابطال این عمل نموده بالمره دست از این کار برداری و یا این که مخصوصاً از رؤسای اسلام در این خصوص امضاء بیاوری .

«آرسن» امتیازی در جواب سفرا می گوید من چگونه دست از این معامله می توانم داشت حال آن که این کار تاکنون زیاده از چهار کرور به رشوه و تعارف و مرسوم و مواجب و تعمیرات و سایر تهیه اسباب و لوازم خسارت کشیده ام . سفیر روس نیز در جواب این حرف او می گوید : مسلمانان را می رسد بگویند چون تو از اول می دانستی این چنین معامله بر خلاف اصول و قواعد ملت و بدون رضا و امضای رؤسای اسلام است لاجرم این خواهد شد که خود بر ضرر خود اقدام نموده و این مبلغ خسارت را دانسته به کیسه خود وارد آورده ای و هر کس دانسته بر ضرر خود اقدام نماید البته غرامت او بر کس دیگر نخواهد بود چنانچه این مطلب نیز از اصول مسلمة ملت اسلام بلکه تمامی ملل است .

سفراء نیز در این خصوص تصدیق از سفیر روس نموده ، مرد امتیازی بالمره منجم شده از هر گونه سخنی در جواب بماند . این شد که لاعلاج در آن مجلس از سفرا مهلت می طلبید تا به خیال خودش از رؤسای اسلام به رشوه و نوید اعضا نامه بگیرد . استمهال نامه او را پذیرفته مجلس را برهم زدند بیچاره «آرسن» تنباکوئی متحیر که چه کند؟ چگونه چشم از همه این خسارتهای پوشیده دست از این عمل برگیرد؟ و اگر نه چگونه در مقابل این دول بزرگ از عهده جواب بیرون آید . رفته به امین السلطان وزیر اعظم درآویخت که من به اطمینان دولت اقدام بر این عمل نموده و زیر بار گران این همه خسارت رفته ام حالا

به سبب این روش و غوغای عمومی مردم مملکت از اصل عمل باز مانده‌ام، سهل است که طرف مسئولیت تمامی دول نیز واقع شده‌ام شما در باره من از دو کار یکی را اختیار کنید، یا خسارت‌های مرا غرامت کشیده و تدارک کنید تا کمپانی دست از عمل برگرفته و پی کار خود رفته این فتنه به خود فرو نشیند و یا این که دولت ایران اقدام نموده این فتنه و غوغای عمومی را به اجازه و همراهی علماء ملت فرو بنشانند.

امین‌السلطان نخست امضای علماء را متقبل شد، یکی از علماء را به خانه صاحب امتیاز فرستاد که سه هزار و پانصد تومان هم از این ملاقات بر خسارت افزوده گردید که در اینجا قلم نگارنده تاریخ پیش نمی رود و چشم از دو جزء و تاریخ خود که خیلی باعث پیداری خواهد گردید پوشیده و برای احترام و حقوق آن عالم، رشته تاریخ خود را به همین مقام ختم می‌کنم که اولیاء دولت دیدند از هیچ رو استخلاص برایشان ممکن نیست لذا خسارت کمپانی را متقبل شده و یک ملت بزرگی را زیر قرض انداخته، پولها پارك ساخته شد و خرج خانها شد، قرضی برای دولت و ملت باقی ماند.

وا اسفا! این قرض را کی می‌دهد؟ جز بیچاره ملت! جز از مال رعایا دیگر از چه محل می‌دهد؟ نمی‌دانم شاید از کدیمین و عرق جبین و اندوخته‌های آبا و اجدادشان نه والله نه بالله.

محل اداء این پولها همان فلاحین و زارعین همان فقراء همان بیچاره‌ها می‌باشند والا پولی که به کیسه آقا و خان و شاه و وزیر و اعیان رفت دیگر خارج نشده و نخواهد شد، بالجمله در این مقام این رشته از تاریخ را ختم می‌نمائیم به پاره‌ای از مکتوب میرزا علی اسفرخان که به مرحوم آیه‌الله میرزای شیرازی قدس سره نوشته‌است و هوهذا:

#### صورت عرضة

امین‌السلطان به حضرت آیه‌الله میرزای شیرازی

ملاذالاناما، حجة الاسلاما، قبله‌گاہا - چون این مسئله اعطاء امتیاز تجارت دخانیات به کمپانی در انتظار و اذهان محل بعض شبهات گردید و حقیقت آن در پرده خفا مانده‌است و این بنده لازم شمرده سبب اقدام و ارتفاع و جهت الفاء و ارفاع آن را من البدو الی الختم به طریق ایجاز کما هو الواقع به اطلاع خاطر شریعت مظهر جناب مستطاب عالی دامت افضاله برسانم که از بادی و خاتمه آن مستحضر شده بالکلیه کشف غطا از این مسئله بشود.

لهذا به تصدیع می‌پردازد: چون در ایامی که مرحوم میرزا حسین خان مشیرالدوله به خدمت صدارت در این دولت جاوید عدت مفتخر بود با کمپانی انگلیس قرار نامه تمدید راه آهن را از بوشهر تا کیلان منعقد ساخت و قرارنامه مزبور به قدری متضمن خطرات دولتی و ملتی بود که علاوه بر نلمهای حقوق

دولتی تمام حدود ملکی و ملتی هیاء مننوراً معدود بود. همان اوقات ذات کامل‌الصفات اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون ظل‌الله روحنا فداه خطرات مزبور را به نظر دقت ملاحظه و خود آن مرحوم را به الغاء آن قرارنامه مکلف و محکوم فرمودند. هر قدر با کمپانی مزبور و دولت انگلیس مذاکره کرد مقصود حاصل نگردیده، بر اصرار آن‌ها افزود تا مشارالیه مرحوم شد. بعد از آن نیز تا مسافرت اخیراً همایون به فرنگستان این مسئله به حالت اولیه باقی بود، که تقریباً چهارده سال طول کشید و بر قوام ادعای کمپانی و مخاطرات آن افزوده بود. در آن سفر با زحمات و تدابیر و مشمول تفضلات خداوندی آن قرارنامه مشؤمه لغو و این امتیاز تجارت دخانیات، که آن وقت همچو می‌نمود که به هیچ وجه ضرری برای دولت و ملت ندارد بر قرار شد و از آن مخاطرات عظیمه آسودگی حاصل آمد. بعد از اقدام به اجرای فصول این قرارنامه متدرجاً معایب و مضار مخفیة این امتیاز نیز به ظهور پیوسته زراع و تجار و رعایای دولت علیه به مقام عرض و اظهار مضار مزبور آمدند. نظر به آن که ذات ملکوتی صفات همایونی رعایت رعایای دولت ابدبنیاد را که ودایع محترمه رب‌العباد می‌باشند همواره بر عهده شاهنشاهانه خود فرض می‌شمارند، از فواید این کار بکلی صرف‌نظر و به امحاء آن عن‌الاصل امر و مقرر فرمودند مخلص نیز با کمال شغف بالجنان والارکان، مشغول اجراء این اراده مطاعه مبارکه بود، که در آن بین از لطایف غیبیه فقره احتراز شرب دخان الهام و مقوی اصل مقصود محمود همایونی گردیده شوق و جهد بنده نیز در الغاء امحاء این امتیاز به هزار چندان کشیده خالصاً مخلصاً کوشیده تا بحمدالله تعالی بکلی محو و کان‌لم‌یکن‌شیناً مذکور شده، عموم رعایا و برایا و تجار و زراع آسوده و آزاد شدند و الان وجهاً من‌الوجوه ولوبقدرالذره احدی از خارجه مداخله در زراعت و بیع و شری و تجارت و حمل و نقل و انتقالات دخانیات ندارد و عاملهائی که در ولایات داشتند بر داشتند برخی هم مشغولند که محاسبات خود را با مردم پرداخته بروند، بعضی اخراج شده، عنقریب حوزه ایران از وجود آن‌ها خالی و متخلی می‌شود.

منتهی این است که دولت علیه خسارت وارده بر آن‌ها و مخارج را که کرده‌اند محض رفاه رعیت و اجراء حمایت ملت و ترویج شریعت از ممر دیگر که ضرری بر احدی نخواهد داشت به مرور خواهد داد. الخ.

بقیه مکتوب تمارفات رسمی و خارج از ما نحن فیبه است.

مسافرت مؤلف به کربلا و مراجعت به تیران - در مرحله سنه ۳۲ سنه ۱۳۱۲ به عزم

عنه بوسی ائمه عراف و تعمیم تحصیل علم و تکمیل اخلاق از طهران حرکت کرده نخست درک فیوضات محضر مرحوم حجة الاسلام حاجی میرزا محمد حسن شیرازی را کرده از آن پس به کربلا مشرف شدم در حوزه درس آقا میرزا محمد حسین شهرستانی وارد شده از رشحات فیوضات ایشان بهره ور گشتم . چون هوای آن سامان مخالف مزاجم بود به حکم طبیب عودت به عجم را عازم گشتم در این وقت نیز مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا محمد حسن شیرازی در ماه سیام ۱۳۱۲ بدرود جهان گفت دیگر امیدوی در توقف نماند لابد معاودت به طهران نمودم و به خدمت جناب حجة الاسلام آقا میرزا سید محمد طباطبائی مشرف شدم و نفعات قدس ایشان بنده را جذب و صفات طیبیه و اخلاق مرضیه شان دل بنده را به خود جاب نمود و هماره ملازم حضرتش بودم و از معلومات جدیده شان بهره ور گشتم مساعی جمیله شان در ترقی نوع بشر بود و قطع شجره خبیثه شر، پیوسته مواعظ ایشان در تنویر عقول بود و همیشه جهدشان در تعلیم جهول ، از این رو امر به تأسیس مدرسه اسلام نمود و تشکیل انجمن مخفی که در آن نو باو گان وطن و رجال آتیه را به طرز جدید آموزش گاری کنم و این خفتگان بادیه و مردان حالییه را بیداری دهم و ضمناً آنچه از این دو مقصد نتیجه حاصل شود به یادداشت بنکارم و تجارب خود را محفوظ دارم .

شروع در عمل شد . مدرسه اسلام افتتاح یافت و شاگردان آن ترقیات فوق العاده کردند و انجمن مخفی نیز تأسیس شد و نتایج آن آشکار گشت و این هر دو سر مشق دیگران شد از آن پس مدارس زیاد دایر و انجمن های بسیار تشکیل یافت و یاد داشتها بر اوراق بی شمار ثبت گردید که اینک تدوین می شود .

در مرحله ۳۸ سنه ۱۳۲۱ کتاب شمس اللغات و شمس التصاریف و خلاصه العوالم و خلاصه النحو و اصول عقاید و رساله مسائل لازمه را که از طهارت الی صلح جمع کرده و به امضاء جناب حجة الاسلام آقای حاج سید اسمعیل صدر اصفهانی رسانیده و ترجمه مقامات حریری و رساله ای درمعانی و بیان جمع و تألیف نموده و لذت زندگانی خود را در این مدت چشیده .